

## فرار ۳ هزار دختر از خانه

Photo: fardanews.com

رئیس اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی با اشاره به آمار پذیرش فرار دختران از منزل در سال ۵۹، گفت: با مقایسه این آمار در نیمه نخست سال جاری مشخص می‌شود آمار فرار دختران افزایش یافته است به طوری که در این زمان بالغ بر ۳ هزار دختر از منزل فرار کرده‌اند.

حسین اسدیگی در گفت‌وگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری تسنیم با اشاره به برنامه ریزی سازمان بهزیستی کشور برای ارائه خدمات به هموطنان در استان‌های مختلف، اظهار کرد: بر همین اساس در سال جاری تعداد خودروهای اورژانس و همچنین مراکز مداخله در سطح کشور افزایش یافته است.

وی با اشاره به آمار تماس‌های برقرار شده در خصوص آسیب‌های اجتماعی، بیان کرد: بخشی از این آسیب‌ها به فرار دختران از منزل برمی‌گردد به طوری که در سال ۹۵، ۵ هزار و ۳۸ مورد در این زمینه به اورژانس اجتماعی اطلاع داده شده بود.

اسدیگی ادامه داد: آمار اشاره شده در ۴ بخش ثبت شده که یک هزار و ۱۱۸ مورد از طریق مراکز مداخله در بحران، یک هزار و ۱۴ مورد از طریق خدمات سیار، دو هزار و ۵۷۹ مورد از طریق برقرار تماس با خط ۱۲۳ و ۲۵۹ مورد نیز از طریق پایگاه‌های خدمات اجتماعی پذیرش شده‌اند.

رئیس اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در ادامه به آمار دختران فراری در ۶ ماه ابتدایی ۹۶ اشاره کرد و گفت: طی زمان اشاره شده از طریق مرکز مداخله در بحران ۶۴۴ مورد، خط ۱۲۳، یک هزار و ۷۲۷ مورد، خدمات سیار ۵۱۵ مورد و در نهایت از طریق مرکز مداخله در بحران نیز ۱۴۴ مورد پذیرش شده‌اند.

وی با اشاره به اینکه در حال حاضر ۴ مرکز برای نگهداری دخترانی که در شهر تهران فرار می‌کنند، پیش بینی شده است، گفت: این افراد حداکثر ۳ هفته در مراکز اشاره شده نگهداری می‌شوند و در نهایت و در صورت تشخیص مددکار اجتماعی، فرد به خانواده بازگردانده می‌شود و در غیر این صورت موضوع از طریق قضایی پیگیری می‌شود.

منبع: [خبرگزاری تسنیم](#)

---

## خانه‌های سلامت بهزیستی و دخترانی که از خانه فرار می‌کنند

Photo: Ocus Focus/bigstockphoto.com

دختران در معرض آسیبی که از طریق مداخله در درمان، اورژانس اجتماعی و نیروی انتظامی و با رأی دادگاه به بهزیستی معرفی می‌شوند، راهی خانه سلامت شده و در آنجا فعالیت‌های مددکاری برای بازگرداندن این دختران به خانواده‌هایشان آغاز می‌شود. سالانه حدود ۵۰۰ دختر در خانه‌های سلامت پذیرش می‌شوند که ۶۰ تا ۷۰ درصد از آن‌ها با انجام اقدامات مددکاری و روانشناختی به خانواده‌های خود بازمی‌گردند ولی بقیه این افراد، به مراکز شبه‌خانواده بهزیستی ارجاع داده می‌شوند یا شرایطی برای استقلال و توانمندسازی آن‌ها فراهم می‌شود.

سال ۱۳۸۷ بود که دفتر امور آسیب‌دیدگان بهزیستی به منظور حمایت از دختران نیازمند حمایت‌های اجتماعی تا زمان استقلال و خودکفایی فرد یا بازگشت او به خانواده، خانه‌های سلامت را راه‌اندازی کرد. خانه‌های سلامت به مراکزی اطلاق می‌شوند که دختران در معرض آسیب اجتماعی و فاقد حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی را تحت پوشش قرار می‌دهند. این خانه‌ها مختص به دختران در معرض آسیب اجتماعی هستند که بالای ۱۸ سال دارند زیرا دختران زیر ۱۸ سال نیازمند حمایت‌های اجتماعی، در مراکز شبه‌خانواده پذیرش و توانمند می‌شوند.

دخترانی که به دلایل مختلف مانند نداشتن سرپرست مؤثر، بی‌خانمانی، دارا بودن سرپرست‌های زندانی و یا زندگی در محله‌های پراسیب، نیازمند حمایت‌های اجتماعی هستند، در این خانه‌ها نگهداری می‌شوند و این مراکز به صورت شبانه‌روزی به آن‌ها، خدمات مددکاری و روانشناسی، نگهداری، حقوقی، روان‌پزشکی، آموزشی، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و آماده‌سازی شغلی و توانمندسازی ارایه می‌دهد.

### فعالیت 31 خانه سلامت در کشور

آبان ماه سال 90 بود که حبیب‌الله مسعودی فرید؛ مدیرکل پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی از راه‌اندازی 31 خانه سلامت توسط این سازمان برای ساماندهی دختران در معرض خطر خبر داد و اظهار داشت: با این راهکار، دختران در معرض آسیبی که از طریق مداخله در درمان، اورژانس اجتماعی و نیروی انتظامی و با رأی دادگاه به بهزیستی معرفی می‌شوند، راهی خانه سلامت شده و در آن‌جا فعالیت‌های مددکاری برای بازگرداندن این دختران به خانواده‌هایشان آغاز می‌شود.

### تلاش برای بازگرداندن دختران فراری به خانواده

در حال حاضر، در همه استان‌های کشور خانه‌های سلامت راه‌اندازی شده‌اند و طبق گفته مسئولان، هدف اصلی در خانه‌های سلامت این است که دخترانی که از خانه فرار کرده‌اند، با اقدامات مددکاری و روانشناختی به خانواده برگردند و مشکلاتی که دختر با پدر، مادر و سایر اقوام خود داشته، برطرف شده و شرایط بازگشت او به خانه فراهم شود. در بسیاری از موارد، خانواده‌ها با انجام مشاوره و مددکاری پس از جلسات فراوان و آماده‌سازی روحی و فکری، حاضر به پذیرش دختر می‌شوند ولی در مواقعی که خانواده از پذیرفتن فرد امتناع می‌کنند، این دختران در خانه‌های سلامت می‌مانند و پس از چند سال به مراکز شبه‌خانواده فرستاده می‌شوند.

### نحوه پذیرش دختران فراری در خانه‌های سلامت

ظرفیت خانه‌های سلامت 10 نفر است و براساس مقررات آیین‌نامه‌ای و دستورالعمل سازمان بهزیستی دختران می‌توانند تا 6 ماه در این خانه‌ها اقامت کنند و سازمان تا زمانی که از امنیت خانوادگی و اجتماعی دختر مطمئن نشود، از رها کردن و بازگرداندن او به خانواده جلوگیری می‌کند. طبق تصمیم تیم تخصصی، این مدت 6 ماه دیگر نیز قابل تمدید است و تا زمانی که اطمینان حاصل نشده که این دختران توانمند و خودکفا شده‌اند، از آن‌ها در خانه‌های سلامت نگهداری می‌شود. نحوه پذیرش دختران هم به این صورت است که ابتدا یک مصاحبه اولیه انجام می‌شود و با توجه به سوابقی که دختران در پرونده خود دارند، ساماندهی صورت می‌گیرد. اگر دفعه اولی باشد که این دختران از خانه فرار کرده‌اند و هیچ نوع ارتباط جنسی نداشته‌اند، به خانه‌های سلامت فرستاده می‌شوند اما دخترانی که ارتباطاتی داشته‌اند، به مراکز بازپروری و مراکز مربوط به زنان آسیب‌دیده ارجاع داده می‌شوند.

### حدود 70 درصد از دختران فراری به خانه برمی‌گردند

سالانه حدود 500 دختر در این مراکز پذیرش می‌شوند که 60 تا 70 درصد از آن‌ها با انجام اقدامات مددکاری و روانشناختی به خانواده‌های خود بازمی‌گردند اما بقیه این افراد، به مراکز شبه‌خانواده بهزیستی ارجاع داده می‌شوند یا شرایطی برای استقلال و توانمندسازی آن‌ها فراهم می‌شود.

### تمرکز بر حمایت‌های سرپایی و روزانه

دکتر ولی‌الله نصر؛ مدیرکل دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی سال گذشته اعلام کرد که تصمیم بر این نیست که خانه‌های سلامت افزایش پیدا کند بلکه رویکردها به سمت حمایت‌های سرپایی و روزانه متمرکز شده است و سعی داریم از طریق شناسایی NGOهای فعال و مورداعتماد بهزیستی این کار را انجام دهیم؛ به گونه‌ای که چندین NGO در تهران و استان‌ها مورد بازدید قرار گرفته‌اند تا بتوانیم با کمک آن‌ها خدمات سرپایی و با استراتژی کاهش آسیب اجتماعی را ارائه دهیم.

### مراکز مداخله در بحران بهزیستی و موضوع دختران فراری

جدا از خانه‌های سلامت، مراکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی نیز به موضوع دختران فراری ورود می‌کنند. حسین اسدیگی؛ رئیس مرکز فوریت‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور همراه سال جاری توضیحاتی در رابطه با فعالیت‌های این مراکز ارایه داد. به گفته اسدیگی، مراکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی از سال 78 در برخی استان‌های کشور راه‌اندازی شده‌اند و اکنون در سه سطح به شهروندان خدمات ارایه می‌کنند. دخترانی که از منزل فرار می‌کنند پس از مراجعه به مراکز مداخله در بحران تا مشخص شدن تکلیف خود، در مراکز سطح یک و دو نگهداری می‌شوند. طبق اظهارات اسدیگی، در سال 94 تعداد مراجعه‌کنندگان به مراکز سازمان بهزیستی در بحث دختران فراری در شهر تهران افزایش یافته بود؛ به گونه‌ای که در این سال، 200 مورد مداخله در بحران ساماندهی شدند؛ در حالی که در سال 93، این آمار 53 مورد بود.

منبع: مهرخانه

## فرار دختران به تهران ۲۱ درصد افزایش یافته است

یک عضو شورای شهر تهران از افزایش ۲۱ درصدی تعداد زنان و دختران «فراری» به مقصد این شهر خبر داده و گفت که آمار فرار دوباره دختران بازگردانده شده به خانواده‌ها را نمی‌توان اعلام کرد.

معصومه آباد، عضو شورای شهر، در گفت‌وگویی که روز جمعه، دوم مهر، با خبرگزاری «نسیم» داشت از افزایش تعداد زنان و دختران «فراری» به مقصد تهران اظهار «تأسف» کرد.

خانم آباد افزود که این افراد از نقاط مختلف ایران وارد پایتخت شده‌اند و «مرکز پیام شهرداری تهران» توانسته تنها در محدوده «مرکز شهر تهران این افراد را شناسایی کند.»

مرکز پیام، مرکزی است که دختران و زنان «فراری» در تهران را شناسایی کرده و تلاش می‌کند مقدمات بازگشت آنها به خانواده و محل زندگی‌شان را فراهم کند.

این در حالی است که به گفته خانم آباد، «متأسفانه افرادی که با وجود بازگشت به خانواده مجدداً فرار می‌کنند، بالا است و نمی‌توان آماری در این خصوص ارائه کرد.»

به نظر می‌رسد این عضو شورای شهر تهران بر اساس آمار این مرکز اعلام کرده که تعداد دختران «فراری» به مقصد تهران نسبت به سال گذشته ۲۱ درصد افزایش یافته است.

خانم آباد در عین حال آمار دقیق تعداد این دختران در سال ۴۹۳۱ و شش ماه اول سال ۵۹۳۱ را اعلام نکرده است.

دختران «فراری» به دختران و زنانی گفته می‌شود که به دلایل مختلف از خانه و خانواده‌شان فرار کرده و به جامعه پناه می‌برند.

فرار این افراد در حالی است که، به گفته سال ۳۸۳۱ مدیرکل دفتر آسیب‌های اجتماعی، در ایران حدود ۰۸ درصد دختران در ۴۲ ساعت اول بعد از فرار «جذب باندهای فساد می‌شوند.»

هادی معتمدی در آن زمان اعلام کرده بود که «عمده فراوانی فرار دختران از خانه در سنین بین ۵۱ تا ۰۳ سال است.»

بر اساس اعلام مقام‌های مسئول در سال ۱۸۳۱، حدود ۰۰۷ و در سال ۲۸۳۱ حدود دو هزار و ۰۰۵ دختر «فراری» در سطح شهر تهران شناسایی و جمع‌آوری شده‌اند.

در سال‌های اخیر، پدیده «دختران فراری» به معضلی اجتماعی در ایران تبدیل شده. اما مقام‌های مسئول از انتشار آمارها در این حوزه خودداری می‌کنند.

بر اساس گزارش محرمانه‌ای که سال ۵۸۳۱ از سوی معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش منتشر شده بود، علاوه بر افزایش بی‌سابقه تعداد، کاهش سن دختران «فراری» به ۹ سال هم اعلام شده بود.

جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران اجتماعی از فقر، مسائل خانوادگی و سخت‌گیری‌های سنتی پدر، مادر یا هر دو به عنوان عوامل گریز دختران از خانه و خانواده در ایران نام می‌برند.

منبع: [راديو فردا](#) به نقل از [نسیم آن لاین](#)

# خشونت و تجاوز خانوادگی، دلایل اصلی فرار دختران از خانه

محسن فرشیدی

رئیس [اورژانس اجتماعی](#) سازمان بهزیستی در همایش منطقه‌ای نقش سلامت روانی و اجتماعی دختران گفت: «بر اساس نتایج یک پژوهش ملی، بیشترین آمار دختران فراری در سالهای گذشته مربوط به دخترانی بود که به خاطر خشونت‌های فیزیکی پدر و مادر از خانه فرار می‌کردند، ولی در حال حاضر اکثریت این قشر به خاطر اینکه در دامن اعتیاد و تعرض جنسی قرار نگیرند از خانه فرار می‌کنند.»

فرزندان فراری اصطلاحی است که بیشتر به دختران زیر هجده سالی گفته می‌شود که بدون اطلاع خانواده به خانه باز نمی‌گردند. بیش از یک دهه است که پدیده دختران فراری در ایران به عنوان یک معضل اجتماعی مورد توجه دولت و دیگر سازمان‌های اجتماعی قرار گرفته است. این فرزندان بدون اطلاع والدین برای روزهای متمادی از حضور در خانه امتناع می‌کنند و والدین نیز از وضعیت آن‌ها اطلاع مشخصی در دست ندارند. آمار دقیقی از تعداد فرزندان فراری در دسترس نیست. بسیاری از آن‌ها خود را به مراکز بهزیستی معرفی نمی‌کنند، با این وجود و بنا بر گفته مدیرکل دفتر امور [آسیب دیدگان اجتماعی](#) در پاییز سال ۸۸۳۱ تعداد ۰۰۵۲ نفر در سال ۷۸۳۱ در بهزیستی پذیرش شده‌اند. مدیرکل [بهزیستی](#) استان تهران در تابستان ۴۹۳۱ از رشد دختران فراری پرده برداشت و اعلام کرد هر سال تا ۵۱ درصد به این تعداد افزوده شده است.

یکی از دلایل اصلی فرار نوجوانان و جوانان در سال‌های گذشته خشونت خانگی عنوان شده است. در پژوهش‌های صورت گرفته خشونت همواره نقش کلیدی در فرار فرزندان از خانه را داشته است. خشونتی که توسط والدین و یا دیگر اعضای خانواده صورت می‌گیرد انواع مختلفی دارد که می‌تواند روحی، روانی، اقتصادی، فیزیکی یا شکل‌های دیگری از آن باشد.

خشونت جسمی که مشکلات روانی متعددی را با خود به همراه می‌آورد، از دلایل اصلی ترک خانه توسط دختران در سال‌های گذشته بوده است. نهادهای مرتبط با سازمان بهزیستی متولی رسیدگی به امور دختران و پسران فراری از خانه هستند.

در صورت بازگشت فرزندان به خانه، آن‌ها یا شخصا به خانه بازگشته‌اند، یا به صورت داوطلبانه به سازمان بهزیستی و دیگر نهادهای دولتی خودشان را معرفی کرده و یا اینکه بوسیله نیروی انتظامی دستگیر و تحویل قوه قضاییه شده‌اند. اولویت این سازمان و نهادهای وابسته بازگرداندن هر چه سریعتر آن‌ها به خانه است. اما در بسیاری موارد بازگشت فرزندان به خانه بدون اینکه مورد حمایت مستمر نهادهای مددکاری و اجتماعی باشند، در اصل بازگرداندن آن‌ها به چرخه خشونت است.

خانواده در ایران از سوی مراجع مذهبی و حاکمیت نهادی مقدس شمرده می‌شود. معمولاً والدین به دلیل خشونت علیه فرزندان مورد بازخواست‌های قانونی قرار نمی‌گیرند و در بسیاری از خانواده‌ها خشونت به عنوان شکلی از تربیت پذیرفته شده است. نهادهای حمایتی که زیرمجموعه‌ای از سازمان‌های دولتی هستند در بیشتر مواقع و بدون در نظر گرفتن امکان خشونت مجدد و حتی تشدید آن سعی در بازگشت دختران مورد خشونت قرار گرفته به خانه را دارند. امتداد خشونت می‌تواند به اعتیاد و یا خودکشی برای این فرزندان منجر شود. یکی از دلایل اصلی تشدید این ناهنجاری‌ها فرهنگ مردسالار و پدرسالار در خانواده، اجتماع و نهادهای قانون گذار است. بنابر اعلام رییس اورژانس بهزیستی در سال گذشته، «تعرضی جنسی» یکی از دلایل اصلی فرار دختران از خانه بوده است. (۱) این دختران در روایات خود تاکید می‌کنند که همیشه از عنوان کردن آن با دیگر افراد به دلیل تابوهایی که وجود داشته و اهمه داشته‌اند.

در بسیاری موارد فرار از خانه که با هدف فرار از انواع خشونت‌ها و تعرضات صورت می‌پذیرد برای بسیاری از این فرزندان تنها گزینه پیش رو است.

اکرم که دانشجوی گرافیک در تهران است از تجربیات خود می‌گوید: «شانزده ساله بودم که یکروز از مدرسه تصمیم گرفتم دیگر به خانه برنگردم. از سال‌ها قبل در خانه مورد انواع خشونت قرار می‌گرفتم. به انتخاب‌ها و علایقم توجهی نمی‌شد و توسط پدرم مورد خشونت فیزیکی نیز قرار می‌گرفتم. در مدرسه و از طریق یکی از دوستانم با فردی آشنا شدم که در یک خانه مجردی زندگی می‌کرد، رفتن به آنجا همراه با سواستفاده‌های جنسی نیز همراه بود. بعد از چندروز به خانه برگشتم، روزهای اول پدر و مادرم با من مهربانی می‌کردند و بعد از چند روز دوباره جر و بحث و کتک‌ها شروع شد.

با پایان دبیرستان و شروع دانشگاه این فرصت را داشتم که در خوابگاه زندگی مستقلی را شروع کنم. «اکرم تاکید می‌کند که» دختران فراری در بسیاری مواقع هیچ راه دیگری ندارند. آنقدر مشکلات زیاد می‌شود که دل را به دریا می‌زنی و تصمیم می‌گیری به خانه برنگردی. «برای فرزندان و بعد از مشکلات فراوان در اجتماع، همیشه این ترس وجود دارد که با بازگشت به خانه خشونت‌ها و محدودیت‌ها نیز تشدید شوند. بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند در چنین اجتماعی که خانواده نهادی مقدس شمرده و طرح موضوع خشونت یا تجاوز

در آن به عنوان تابو محسوب می‌شود، وجود نهادهای حمایتی و همچنین آموزش به والدین از قدم‌های اول جلوگیری از ایجاد یا تکرار این اتفاقات است.

گفتمان و یا طرح انتقاد از نبود چنین ساز و کارهایی معمولاً به سادگی امکان‌پذیر نمی‌شود و طرح آن‌ها برای پژوهشگران، روزنامه‌نگاران و فعالین جامعه مدنی تبعات زیادی به همراه خواهد داشت.

فرار دختران از خانه بنا بر گفته مسئولین هر سال بیشتر و میانگین سن آنان کمتر می‌شود، تا جایی که در سه ماهه اول سال جاری این سن به ۴۱ سالگی رسیده است. این دختران به دلیل سن کم، که آسیب‌پذیری آن‌ها را تشدید می‌کند با خطرات بسیاری در اجتماع تهدید می‌شوند. فرزندان که از خانه فرار کرده و عرف و سنت‌های یک جامعه‌ی مردسالار به آن‌ها مجال یک زندگی مستقل را نمی‌دهد عموماً در دام گروه‌های قاچاق انسان یا مواد مخدر افتاده، مورد سواستفاده‌های جنسی قرار می‌گیرند و یا با انواع تهدیدهای دیگر مواجه خواهند شد.

بر اساس آمار منتشر شده سازمان بهزیستی به تعداد پسرانی که از خانه فرار می‌کنند نیز افزوده شده است. مسئولین و نهادهای مرتبط در ایران معتقدند آسیب‌پذیری دختران در جامعه نسبت به پسران بیشتر است و همین عامل باعث شده موضوع پسران فراری کمتر مورد توجه قرار گیرد.

این موضوع در حالی است که بنا بر گزارش‌های سال‌های اخیر پسران نیز با انواع خطر سواستفاده‌های جنسی، قاچاق و اعتیاد روبرو هستند.

نقش خانواده و دیگر نهادهای آموزشی، به عنوان عاملین بازدارنده در کاهش خشونت‌ها حیاتی است. شکل فعالیت سازمان بهزیستی و دیگر نهادهای مددکاری در مواجهه با پدیده فرار دختران و پسران در سال‌های گذشته نتوانسته آن را کم یا حتی کنترل کند و معمولاً در این مراکز صورت مسئله طرح، پاک و به ریشه‌یابی آن پرداخته نمی‌شود.

اما واقعیت این است بسیاری از ناهنجاری‌ها و خطرات پیش روی افرادی که از خانه فرار می‌کنند، توسط خانواده و به طور مشخص والدین و با خشونت‌هایی که در مقابل آن‌ها اعمال می‌کنند زمینه‌سازی می‌شوند. در نظام‌های مردسالار تربیت فرزندان بدون در نظر گرفتن حقوق کودک تمام و کمال به والدین واگذار شده است.

خشونت علیه این کودکان و نوجوانان به عنوان شکلی از تربیت در نظر گرفته می‌شود. هر چند نسل جوان امروز با توجه به پیشرفت ارتباطات و اطلاعات به مانند گذشته در مقابل خشونت منفعل نیست و دیگر شکل‌های مختلف خشونت از جانب خانواده را تاب نمی‌آورد و با حقوق خود آشنایی بیشتری پیدا کرده است، اما تا زمانی که سازمان‌های دولتی به عنوان چتر حمایتی برای آن‌ها قرار نگیرند، اتفاقاتی از جمله فرار از خانه سال به سال گسترش پیدا می‌کند.

مرجان که دانشجوی جامعه‌شناسی است، معتقد است: «قبل از اینکه دختران و پسران فراری از خانه نیاز به بازپروری و مشاوره و آموزش داشته باشند، این والدین هستند که قبل از فرزندآوری باید حقوق کودک را فرا گرفته و با مسئولیت‌پذیری و به عنوان اولین و اصلی‌ترین حامیان کودک در تولید خشونت علیه آن‌ها نقش نداشته باشند.»

سیاست‌های نادرست سال‌های اخیر نه تنها باعث کمتر نشدن فرار دختران و پسران نشده که هر سال به تعداد آنان افزوده است. به دلیل مشکلات پرشمار فرهنگی و اجتماعی دیگر نیز، خشونت علیه دختران و پسران در خانواده با گذر زمان شکل حادثتری به خود گرفته است. تا جایی که این موضوع فراتر از خشونت فیزیکی پیش رفته و تعرض و تجاوز جنسی در خانواده دلیل اصلی فرار فرزندان در سال جاری عنوان شده است.

---

## جایی برای دختران فراری

رویاتاجی: روزنامه‌نگار

90 درصد دختران فراری به دلیل مشکلات خانوادگی از خانه فرار می‌کنند و سن آنها به 12 سال رسیده است.

این آمار را چند ماه پیش حبیب‌الله مسعودی‌فرید، معاون امور اجتماعی بهزیستی اعلام کرد. آماری که تا چند سال قبل جزو خط قرمز

های مسئولان بود ولی این روزها آنقدر افزایش داشته که آمار آن را می دهند. هر چند آمار دقیقی از دختران فراری در دست نیست، ولی آنها هستند، همه جای شهر، قبلاً 20 تا 25 ساله بودند حالا 9 تا 12 ساله

داستان همینجا به پایان نمی رسد، چند روز گذشته معینی کارشناس آسیب های اجتماعی، در همایش بررسی آسیب های اجتماعی، اعلام کرد که در مدت 7 سال متوسط سن فحشا از 28 سال به زیر 20 سال رسیده و در حال حاضر کف این سن تا 13 سالگی پایین آمده یعنی در میان نوجوانان به طور روزافزونی گسترش یافته است.

فرار دختران از خانه به دلایل مختلف آنقدر افزایش داشته که امروز وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از راه اندازی اولین مرکز نگهداری از دختران فراری در تهران خبر داد. دخترانی که در تهران به دنبال خوشبختی میگردند.

علی ربیعی گفت: در حال حاضر شاهد هستیم که دختران زیادی به دلیل اختلاف های ساده نظیر اجبار در ازدواج، تفاوت ارزش های بین نسلی، عشق های مجازی و غیره از خانه فرار می کنند و نیاز است که برای کمک به این دختران برنامه ریزی شود.

وی ادامه داد: بعد از فرار این دختران به این خاطر که در جامعه جایی برای آنان در نظر گرفته نشده است، آنها به ناچار به افرادی پناه می برند که صلاحیت نداشته و به همین دلیل مورد سوء استفاده نیز قرار می گیرند.

ربیعی خاطر نشان کرد: مطالعات نشان می دهد که اگر دختران بعد از فرار به مرکز حمایتی روی آورند دیگر درگیر آسیب های اجتماعی متعدد نشده، اما اگر چنین نشود، این دختران تا مرز تن فروشی نیز جلو رفته و در بسیاری از مواقع مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند.

وی راه اندازی مرکزی برای دختران فراری را گونه ای از خیر جمعی دانست و اظهار کرد: اگر بتوانیم مراکزی را راه اندازی کنیم که دختران فراری به آن مراکز آورده شوند، پس از آن می توانیم از طریق شناسایی خانواده های آنها، شرایط را برای بازگشت این دختران به کانون خانواده هایشان فراهم کنیم.

ربیعی در پاسخ به این سؤال که آیا آمار مشخصی از دختران فراری وجود دارد یا خیر؟، گفت: آمار مشخصی از این دختران موجود نیست؛ زیرا تمام دختران فراری شناسایی نمی شوند.

نتایج یک تحقیق که در سال 92 منتشر شده به بررسی وضعیت خانوادگی دختران فراری با تاکید بر سوء استفاده از آنان پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان می دهد؛ عدم توجه و بی احترامی، آزار و اذیت و انواع سوء استفاده از آنان، محدودیت و محرومیت شدید، سردی روابط و کم محبتی، تبعیض قابل شدن و آشفتگی خانواده از عوامل فرار دختران از خانه ها بوده است.

به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، با توجه به وضع فرهنگی و اجتماعی ایران، پدیده دختران فراری، نوعی انحراف اجتماعی است. یک پدیده اجتماعی زمانی به عنوان یک انحراف اجتماعی تلقی می شود که با انتظارات و توقعات جامعه یا حداقل با یکی از گروه های اجتماعی درون جامعه سازگار و منطبق نباشد و حتی با آن در تعارض باشد. دختران فراری کسانی هستند که به دلایل مختلف و در اثر فشارهای ناشی از شرایط سخت زندگی، غالباً به رغم میل باطنی اقدام به ترک خانه و کاشانه خود کرده و از کانون خانواده جدا می شوند و عموماً در شهری دیگر بدون داشتن مأمنی مناسب و خانه ای دایمی ساکن می شوند. این گروه دختران عموماً به دلایلی نظیر فقر، خشونت، محدودیت های غیرمنطقی، آزار دیدگی، رها شدن از سوی اطرافیان به خصوص خانواده و... روی به خیابان ها می آورند و اکثریت آنها به تدریج به دلیل امرار معاش و همچنین نداشتن سرپناه به کارهایی خلاف هنجارهای اجتماعی روی می آورند.

روزانه پدر و مادرهای زیادی به دستگاه قضایی و نیروی انتظامی مراجعه می کنند و با طرح شکایتی مبنی بر این که دخترشان ربوده شده است، از مأموران می خواهند دختر ناپدید شده شان را پیدا کنند. بیشتر این والدین، ادعا دارند، دخترانشان دچار حادثه شده اند یا افراد بزهکاری آنها را ربوده اند. اما بررسی های پلیسی نشان می دهد که اکثر این گونه دختران که در آغاز تشکیل پرونده «دختران فقدانی» نام می گیرند، به میل خود از خانه فرار کرده اند. این دختران که دور از چشم پدران و مادران به طرق مختلف به زندگی غمباری تن می دهند حتی در صورت پشیمانی به خاطر خراب کردن پل های پشت سر، روی برگشتن به خانه را ندارند.

یکی از مولفه های بروز پدیده دختران فراری، قرار گرفتن در معرض خشونت های روحی، جسمی و جنسی است. شمار قابل توجهی از دختران به علت بدرفتاری، بی توجهی، کم توجهی و در نهایت ضرب و جرح از سوی والدین و سایر اعضای خانواده نظیر: نامادری، ناپدیری، برادر بزرگتر و حتی در برخی موارد از سوی اقوام و آشنایان از خانه گریزان شده و اقدام به فرار می کنند.

صغری ابراهیمی قوام و متین خطیب زاده در مقاله ای که در فصلنامه مطالعات پلیس زن در سال 92 منتشر شده به بررسی موضوع «وضعیت خانوادگی دختران فراری با تاکید بر سوء استفاده از آنان» پرداخته اند. نمونه مورد مطالعه از 33 نفر از دختران فراری 15-20 سال تشکیل شده است.

اما یافته های این محققان حاکی از آن است که در صورت ایجاد تنش، دگرگونی و سردی روابط بین اعضای خانواده و ارضاء نشدن



نیازهای نوجوانان، ممکن است آنها به رفتارهای نابهنجار از آن جمله فرار دست زنند. فرار نوجوانان یکی از مهم ترین آسیب های اجتماعی تلقی می شود ضمن آنکه انواع سوءاستفاده های جنسی، جسمی و هیجانی در بین دختران فراری مشاهده می شود.

سوءاستفاده جنسی رویدادی خانمان برانداز است و همچون ضرب و شتم و کتک کاری می تواند عامل موثری در فرار دختران نوجوان از منزل قلمداد شود. این اتفاق مخرب ترین رویداد زندگی فرد است و تأثیر خود را برای همیشه به شکل های مختلف نشان می دهد. همچنین آنها غالباً سابقه محرومیت عاطفی، اختلال های شخصیت، سوءمصرف الکل و بیکاری داشته اند. عزت نفس پایین و خشم، آنها را به افراد متجاوز، حتی به اعضای خانواده خود، تبدیل کرده است.

## طبق قانون دختران بالای ۱۸ سال برای انتخاب محل زندگی محدودیت ندارند

**پرسش:**

دختر ۴۲ ساله ای هستم که شغل خوبی دارم و دلم می خواهد مستقل زندگی کنم. با خانواده ام اختلاف ندارم. آنها را می پرستم. اما دلم می خواهد زندگی کوچک و مستقلی داشته باشم. آیا این خواسته من اگر بخوایم آن را اجرائی کنم غیر قانونی است و مجازات دارد؟

**پاسخ:**

خیر. کاملاً قانونی است. در قانون، ماده و تبصره ای نداریم که استقلال عمل شما را برای انتخاب مسکن مورد علاقه تان ممنوع یا محدود و مشروط کند. از ۱۸ سالگی به بعد قانون، دختران را برای انتخاب اقامتگاهی جدا از خانه پدری و مادری آزاد گذاشته است.

**پرسش:**

ممکن است نشانی قانونی را که متناسب است با این استقلال اعلام کنید؟

**پاسخ:**

مجوزهای قانونی همیشه صریح بیان نمی شود. بلکه باید آن را با استنباط از قوانین درک کرد. برای مثال قانون گذرنامه اجازه می دهد که دختران و پسران پس از ۱۸ سالگی آزادانه و بدون ارائه رضایت نامه رسمی از پدر یا جد پدری تقاضای صدور گذرنامه کرده و از کشور خارج شوند. وقتی قانونگذار خروج آزادانه از کشور را به دختران اجازه داده، حتماً خروج از خانه پدری و انتخاب مسکن مستقل در هر جای کشور را هم برای آنان ممنوع نکرده است.

**پرسش:**

پس چرا با هر کس مشورت می کنم، من را از قانون و مجازات و بی آبرویی می ترسانند و هشدار می دهند بی خود و بی جهت برچسب "دختر فراری" را به خودت نجسبان و خودت را سکه یک پول نکن.

**پاسخ:**

دوستان و مشاوران شما از قانون سخن نمی گویند. بلکه از فرهنگ عامیانه و ارزش های تثبیت شده در آن می ترسند و شما را می ترسانند. در این باورهای عامیانه که گاهی تحصیل کرده های ایرانی، زن و مرد، از آن تأثیر پذیرفته اند، صفت تحقیر آمیز "دختر فراری" جا افتاده است.

رسانه ها به جای اطلاع رسانی پیرامون این برچسب که اهانت به حقوق انسانی دختران است، پیاپی آن را تکرار می کنند و در اشاعه این صفت در جامعه نقش چشمگیری داشته اند.

آن چه با این نامگذاری بلافاصله متبادر به ذهن می شود، این است که دختر مورد نظر، دختری فاسد و هرزه است.

این پیش داوری بسیاری از دختران شایسته ایرانی را که فقط اراده کرده اند از حق قانونی و انسانی خود برای انتخاب مسکن استفاده کنند، از نظر روانی خرد کرده است.

**پرسش:**

می گوئید چیزی به نام "دختر فراری" در جای صفتی مجرمانه در قوانین ایران نیست؟

**پاسخ:**

به هیچوجه. مثل بسیاری بر چسب زدن ها بر ضد زنان، من در آوردی است. باید با آن مبارزه کنید.

**پرسش:**

چگونه؟

**پاسخ:**

هر وقت این صفت را در نوشته ای یا خبری در رسانه های کشور دیدید، از آن رسانه بخواهید مستند قانونی آن را انتشار بدهد. اگر نداد، اعتراض کنید تا به تدریج رسانه های کشور متقاعد شوند که نباید از فرهنگ عامیانه دنبایه روی کنند و برای خوش آمد متولیان آن فرهنگ، زنان را تحقیر کنند.

---